

عقل به عنوان موجود متعالی نزد فلاسفه ی مسلمان

عموم فیلسوفان درباره ی دو مقصود به کار رفته از عقل سخن گفته اند:

۱- عقل به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی.

۲- عقل به عنوان دستگاه تفکر.

نظر فیلسوفان مسلمان درباره ی عقل به عنوان موجود متعالی

۱- روشن تر و دقیق تر از فیلسوفان یونان، مرتبه ای مجرد از موجودات را اثبات کرده و نام آن مرتبه را عقول گذاشته اند.

۲- از نظر فارابی و ابن سینا اولین مخلوق خدا عقل اول است که موجودی کاملا غیر مادی است و عقول دیگر نیز به ترتیب از عقل اول به وجود آمده اند.

۳- این موجودات که فوق عالم طبیعت اند و فیض خدا از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند.

غیر این عقل تو، حق را عقل هاست که بدان تدبیر اسباب سماست.

مقصود عقل به عنوان قوه ی تفکر و استدلال است.

مقصود عقل به عنوان موجود متعالی و برتر از ماده است.

نظر فیلسوفان مسلمان درباره ی عقل به عنوان موجود متعالی

۴- عقلی که در انسان هست (قوه ی تفکر و استدلال) پرتوی از عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می تواند حقایق

را آن گونه که آن موجودات (عقول مجرد) درک و شهود می کنند؛ بیابد و شهود نماید.

نکته: علم عقول مجرد به حقایق عالم از طریق شهود است اما علم ما به این عقول مجرد از طریق استدلال است.

یکی از عقول عالم عقل، عقل فعال نام دارد.

عقل فعال:

عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست.

یعنی تمام ادراک های انسان به مدد این عقل صورت می گیرد.

این مدد رسانی در باطن وجود انسان صورت می گیرد و برای خود انسان محسوس نیست.

به واسطه ی این عقل است که انسان مفاهیم کلی را درک می کند.

بیان فارابی درباره ی نسبت عقل فعال با دستگاه ادراکی انسان

عقل فعال نسبت به انسان مانند آفتاب است نسبت به چشم.

همانطور که آفتاب نوربخشی می کند تا چشم انسان ببیند عقل فعال نیز نخست چیزی به قوه ی عقل آدمی می رساند به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق می رسد.